

## عصر ما عصر پیروزی طبقه کارگر است

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران جهان است، روزی است که در آن طبقه کارگر با تظاهرات پرشکوهِ خود همه ساله پیروزی عظیم خود را در مبارزه با نظام کهنه و سید و سرمایه داری و با خطر نیل به خواسته های صنفی و آرمانهای سیاسی و طبقاتی خود سالانه پیروز می شود. دوران مبارزه با انقلابات پارتولناریائی است، عصری است که طبقه کارگر با مبارزه علیه مستکمران و استثمارگران به آفرینش جامعه صنفی پرداخته است. به نظام کهنه یورش میبرد تا آنرا از اساس ویران سازد و بجای آن جامعه نوینی بنیانندد، جامعه ای که در آن از ستمی و طبقاتی اثری برجای نماند. پارتولناریاد مرکز این دوران است، در مرکز و رانی است که فرجام آن چیزی جز پیروزی و رخشان پارتولناریاد و روزنهائی روشن و تابناک در برابر بشریت نیست و نتواند بود.

نیروی طبقه کارگر در شرف سوختن خورشید است و از آنجمله شاه روز ما در ایران را بخوبی احساس میکنند و میگویند با وجود رویداد این نیروی لایزال و آرام کننده و خند است خوش بگذارند. شاه ایران نیز اسامال در جشن اول ماه مه لا بد سخنان شیرینی "تحویل کارگران عزیز" خواهد داد و دوباره از "انقلاب شاهانه" سهمی شدن کارگران در سود کارخانه و "فروش سهام کارخانه ها به کارگران" سخن خواهد گفت به آنها بگوید زندگی بهتر، شرایط کار بهتر و از همه بهتر خانه بسکون خواهد داد و این وعد ما همه برای آنکه آنها بیشتر کار کنند، بهتر کار کنند و بکشند تا میزان کارائی خود را افزایش بخشند و "بتوانند از مزد بیشتری استفاده کنند و در نتیجه وضع خود بهبود یابند". خلاصه همه وعد و وعید ها بر این محور میگرد که کارگران به استثمار شدید تر تن در دهند و با کار روز حثت خود، با عرق جبین و کد بین سود های کلان و کلانتری بجیب استثمارگران بزرگ داخلی و خارجی سران برکنند.

اما کارگران ایران بیش از آن آگاهند که این نیرنگها آنها را بفریبند. آنها از ده سال مبارزات درخشان گذشته خود آموخته اند، آنها سیاست ضد کارگری رژیم شاه را خوب می فهمند، آنها برای تعیین می بینند که کلی رغم افزایش سراسر آموخته های آنها افزایش نمی یابد یا لا اقل متناسب با از یاد هزینه زندگی افزایش نمی یابد. بهای کالا های مورد نیاز بطور روزمره بالا می رود، افزایش اجاره مسکن بقسمی است که بیش از نیمی از دستمزدها را می بلعد، قانون هشت ساعت کار فقط بر روی کاغذ است، قانون بیمه های اجتماعی بجای آنکه مرهمی بر زخم های کارگران بگذارد، آنها را بیشتر رنج میدهد، آزادی سند یگانه حقوق و موکراتیک برای آنها در حکم کیمیا است، حتی حق اعتصاب که از حقوق بدوی و شناخته شده کارگران است، از آنها سلب شده است. بطور خلاصه در ایران شاه زده کارگران از همه چیز محروم اند. دستگساره ساواک نیز از اعمال هیچگونه فشاری بر آنها خودداری نمیورزد.

در این میان نقش در اردو سته کیت مرکزی جالب توجه است. آنها به این بهانه کارگران باید در سازمان شمشاخته سازمان کارگران ایران گرد آیند و آنها به سازمان خود میل کرد اند. در واقع کارگران ایران نیز بر چه سازمان امنیت رژیم شاه فرامیخوانند. این در اردو سته که از طبقه کارگری بر تافته اند با اینگونه تبلیغات بسود رژیم بیشتر از ما هیت ضد کارگری خود پرده میبرند تا آنکه کارگران را به سازمان امنیت اندازند. بدینسان فشار زندگی و اجتماع بر روی کارگران طاقست فرساست معدنک سرمایه در آن آمند به اینهمه انگافنیکنند پیروزی نیست که بسا دست شاه و دولت، این حامیان پیروزی بزرگ خارجی و داخلی ایران و بدست وزارت کار که اکنون یکی از امثال آشکار ساواک در راس آنست، علیه کارگران توطئه نمیچیند. مسئله "استقرار نظم در محیط کار" و "تهیه آئین نامه انضباطی" که در دستور کار وزارت کار فرمایان است یکی از توطئه ها برای اعمال فشار بیشتر به کارگران است.

در قطب مخالف طبقه کارگر، سرمایه داران بزرگ هر روز از دسترنج کارگران پرشورت و سرمایه خود می افزایند، زندگی افسانهای برای خود ایجاد کرده اند. در قصر مجلل و باشکوه زیست میکنند و از گلیه نعمات زندگی برخوردارند. فاصله و قطب کار و سرمایه هر سال فزونی میبرد و تضاد میان و قطب پیوسته حاد و جداتر میشود. تشدید مبارزه طبقاتی کارگران در سال گذشته نمود ارحمت تضاد و قطب کار و سرمایه است تشدید مبارزه طبقاتی در ایران از یکدگان طبقه کارگر ایران و با با بان امیرالیه است آن پنهان نیست و آنها را در رنگرانی عمیقی فرو میبرد. آنها اعتصابات کارگران را با حمله و نیرنگ یا با فشار وحشی بخون کشیدن آنها خاموش میکنند. کارگران روزمند صد رخاک و خون می غلند ولی اعتصاب را از سر میگیرند و این داستان امروزی نیست و تا بود چنین بود ما ست. نه صغیر گول که کارگران را از مبارزه طبقاتی باز میبرد و نه عوام فریبی های شاه و طبقه کارگر در دل کارگران تا نیر میگذارد. مبارزه همچنان ادامه می یابد.

ولی این مبارزه شکل نیست. خود روسته طبقه کارگر از وحدت و تشکیلات، این یگانه سلاح مؤثر مبارزه، برخوردار نیست طبقه کارگر برای مبارزه ماه کی دارد. جنبش طبقه کارگر از عامل نهی و آگاه مروت است. هنوز حزب طبقه کارگر در ایران به مرحله احیاء در نیامده است. هنوز طبقه کارگر ایران در آرای سازمان سیاسی خود نیست سازمانی که کارگران را وحدت بخشد و سازمان دهد. البته طی یکی دو سال اخیر کوشش های ایران ام از کارگر با روشنفکر و کار احیا حزب طبقه کارگر بصوفیتهای قابل توجهی دست یافته اند و یقین است که مرحله تد ارن در این باره پایان میرسد و طبقه کارگر سازمان سیاسی خود را باز خواهد یافت.

رسالت آزادی ایران از یوغ مستکمران و استثمارگران داخلی و خارجی از آن طبقه کارگر ایران است که همراه با متحدین خود و رهبری آنها مستکمران و استثمارگران را بگور خواهد سپرد و از آن پرچمشن اول ماسمراد را بر ایران آزاد مستقل و شکوفان برخواهد داشت. ما روز اول ماه مه را به همه کارگران و زحمتکشان ایران از دل و جان شاد باش میگوئیم و به آن رفقای کارگری که در شرایط دشوار فشار و اختناق کار احیای حزب طبقه کارگر را به پیش میبرند درود می فرستیم.

فرخنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی روزنده همه کارگران و زحمتکشان جهان!  
پیروز باد مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران!  
کامیاب باد مبارزه با خطر احیاء حزب طبقه کارگر ایران!

## امپریالیسم آمریکا و دفاع از حقوق بشر؟؟؟

امپریالیسم آبرویافته آمریکا برای آنکه آب رفته را بجوی باز آورد به نیرنگ تازه ای برخاسته و سیاست تازه ای در پیش گرفته است: سیاست دفاع از حقوق بشر. امپریالیسم آمریکا و دفاع از حقوق بشر این بزرگترین مضحکای است که تاریخ قرن بیستم بخود می بیند بزرگترین عوام فریبی است که امپریالیسم تاکنون بر راه انداخته است بزرگترین دروغی است که خلقهای جهان تاکنون شنیده اند. باور نکردنی است ولی واقعیت است. امپریالیسم آمریکا یکی از بزرگترین پایمال کنندگان حقوق بشر حثی در سرزمین آمریکا، امپریالیسمی که در تاریخ حیات خود برای منافع آژمند ان خود در ها و صدها ملیون مردم جهان را با دست سگان زنجیری خود که بر مسند قدرت نشاندید، از هرگونه حقوق سیاسی و اجتماعی و فردی محروم ساخته و آنها را تا درجه بردگان تنزل داده و به جهل و فقر و عقب ماندگی محکوم کرده است. امپریالیسمی که در همین سالهای اخیر در ویتنام با بمبوج و لاگوس ملیونها تنود فرزندش را بقتل رسانیده و به قحط و فلاکسانیده است، امپریالیسمی که سازمان جاسوسی آن هر جا که خلقی برای رهائی از اسارت در برابر آمریکا می ایستد بگولت و قتل توسل میجوید تا هرگونه مقاومت در برابر خود را درهم شکند، امپریالیسمی که حتی در سرزمین خود شکله سیاه پوست را از حقوق انسانی بی بهره می شناسد و بر آنها تبعیض نژادی روا میدارد، امپریالیسمی که برای زجر و شکنجه آزاد یخواهان و هواداران حقوق بشر آموزشگاههای شکنجه دارد و در آنها شکنجه گرواد مکتور پرورش میدهد. . . . آری چنین امپریالیسمی اکنون از زبان بالاترین نماینده خود نغمه دفاع از حقوق بشر سرد داده است و امپریالیسم های دیگر که در تقاضای حقوق انسانی دست کی از آمریکا اندازند با وی هم آوازی و همد استا بر خاسته اند.

این ایزای جدیدی که نیروهای امپریالیسم و ارتجاع به رهبری امپریالیسم آمریکا مانند اخته اند از جنبه ای آب میخورند، چه هدفی را دنبال میکنند؟ سیاست دفاع از حقوق بشر سلاحی است در دست امپریالیسم آمریکا در رقابت با هر قدرت شوروی و با خطر توسعه مناطق نفوذ و از آنجمله نفوذ در قمر و سوسیال امپریالیسم و نیز با خطر بازگرد آمدن آبرو و اعتبار از دست رفته امپریالیسم آمریکا.

زمانی خلقهای جهان که در دست امپریالیستهای فرانسه و انگلستان اسیر بودند بعلمت عدم شناخت وعد م آگاهی با همبریا - لیسم آمریکا بنام به فرشته آزادی مینگریستند و نجات خود را از استعاباد دست اوی پنداشتند. امپریالیسم آمریکا نیز بویژه پس از جنگ دوم جهانی آنها را با مبارزه آزاد بیخش تشویق بقیمه رصفه ۲

## پیروز باد مبارزه آزاد بیخش خلقهای جنوب آفریقا

در جنوب آفریقا مبارزه مسلحانه قاطع و مصمم میهن پرستان علیه رژیم های نژادپرست همچنان ادامه دارد. میهن پرستان این حکم ضحیح را رها نهای خود قرار داده اند که بدون مبارزه مسلح نیل به آزادی امکان پذیر نیست. این اراده قاطع خلقهای جنوب آفریقا برای آزادی خود از طریق توسل به اسلحه آنها را هر روز بصوفیتهای تازه و نازشتری میرساند. خلقهای جنوب آفریقا به این نکته ایمان دارند که در مبارزه آزاد بیخش خود تنها نیستند. همه خلقهای آفریقا آما دماند از آنها پشتیبانی کنند و آنها را یاری رسانند.

کامیابیهای خلقهای جنوب آفریقا رژیم های نژاد پرست و حامیان امپریالیست آنها را در وحشت و نگرانی سخت فرو برد ما ست. رژیمهای نژاد پرست با تمام قوا بمسند قدرت چسبید مانده و حاضر نیستند آنها را کسرت خلق واگد آرند. برای مقابله با مبارزه مسلح میهن پرستان آنها ماشین نظامی خود را تکمیل و تقویت میکنند. فرستادگان این رژیم ها با اقطار و اکتاف عالم در کشورهای مختلف سر ما به داری به جمع آوری سربازان مزدور اشتغال دارند.

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی برای آنکه حمایت امپریالیست ها را بیشتر جلب کند در های این منطقه را بروی سرمایه های خارجی بطور کامل گشود ما ست. آمارهای موجود حکایت دارند از اینکه در ۱۹۶۰ فقط ۶۵۰ موسسه آمریکائی در آفریقای جنوبی فعالیت میکرد، در حالی که در ۱۹۶۵ این رقم به ۱۸۰۰ و در ۱۹۷۰ به ۲۰۰۰ بالغ گردید.

سرمایه گذاری امپریالیسم آمریکا نیز متناسب با افزایش تعدد موسسات افزایش مییابد. اگر در ۱۹۶۰ سرمایه آمریکائی در این منطقه از ۲۸۶ ملیون دلار تجاوز نمیکرد، در ۱۹۷۰ رقم سرمایه گذاری تا ۸۶۴ ملیون دلار بود ریایان ۱۹۷۳ به ۱/۴ تا ۲ میلیارد دلار بالافت و امروز یقینا از این مبلغ نیز فراتر رفته است. در کار آمریکا شرکتهای انگلیسی، آلمانی و دیگران از این خوان کسرت و سهمی دارند. این شرکتهای تمام ثروتهای طبیعی منطقه را از جمله مس، اوران، العاس، روی، سرب، تحت کنترل خویش در آورد مانده و همساله هرکدام از این سرزمین ها ملیون دلار سود میبرند. گذشته از ثروتهای طبیعی منطقه جنوب آفریقا دارای اهمیت سوق الجیشی و نظامی است. بهبود نیست که امپریالیست ها بویژه امپریالیسم آمریکا تلاش میکنند رژیمهای موجود را بشکلی بر مسند قدرت نگاه دارند و بقیمه رصفه ۲

## «پیک ایران» و پنیربلغار

از قدیم گفته اند که امپریالیست ها در خد متکبران خود هیچگونه خوب کبریت نمیگردند. پس از آنکه از آن استفاده کردند آنها بدور می افکنند تا امپریالیسم شوروی از این حکم مستثنی است و نه خد متکبران وی، در اردو سته " کیت" مرکزی".

راد بوی شوروی " پیک ایران": البته ما کک بید ریخ شوروی بوجود آمد نه برای آنکه در ایران بگلانقلابی برای آزاد ی ایران بیزد از یا ککی برای انقلاب بین ایران باشد بل برای آنکه ما ملی برای تا میسن منافع و سیاست رویزینویستیهای شوروی در ایران گرد.

هنوز اندکی از شروع کار پیک ایران نگذشته بود که روابط شوروی با ایران بر سر انعقاد قرارداد در و جانیه ایران و آمریکا بهتر میگردید و پیک ایران مبارزه شاهانه را به این چومتر زار بر عهد نگرفت. اما این مبارزه در تصمیم شاهد اثر به انعقاد این قرارداد است. شیرینی بخشید و شوروی بر آن شد که دوباره روابط خود را بلنا به بهبود بخشد. این بار هم پیک ایران " ماموریت یافت که رژیم شاه انقلابات شاهانه را مورد تا بید و ستایش قرار دهد. اما تا بید و ستایش شاه شاهی که دشمن شماره اول خلق و مورد تفرشیدید توده های بقیه رصفه ۳

فرخنده باد روز همبستگی روزنده کارگران!

پیروزی مبارزه... بقیه از صفحه ۱  
منطقه را طوری فیصله دهند که بتواند سرمایه‌های آنها هیچگونه آسیب و زبانی وارد نیاید. امریالیست‌های آمریکا در پی آنند که آثار مبارزه خلق‌های جنوب آفریقا را خاموش سازند. راه خلق‌های پیشین‌های آنها را واقع‌نیرنگی برای طغ کردن جنبش آزاد یخ‌خلاق استه برای آن است که قدرت استعماری کهنه را با استعمار نوین جانشین سازند. اقدامات دیپلماتیک آنها با خاطر فاع از حقوق بشر "بخاطر آزادی خلق‌های" روند گسسته نیست، بخاطر منافع اقتصادی و نظامی آنها است که اکنون سخت در مخاطره افتاده است.

مسافرت کیسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا به قاره آفریقا وسیله تشکیل کنفرانس زنونتوت رهبری انگلستان بجای نی رسید و شکست مواجه گردید. هند ارهای ظاهری جیمی کارتر و مسافرت یانگ نماینده آمریکا و فاع آنها از اکثریت سیاه پوست کشورهای جنوب آفریقا به نتیجه‌های نیاختگی در مسافرت نخست وزیر انگلستان پامپتون هال اکرات او با اکثریت سیاه پوست‌ها و نقشه‌های جدیدی فراهم کردید که اکنون وزیر خارجه انگلستان که به کشورهای منطقه می‌شناسد در پی اجرای آنها استولی از هم اکنون باید گفت که امید بی موفقیت او می‌رود.

در این میان ابرقدرت شوروی نیز که چشم طمع به ثروتهای آفریقا دوخته و در دست آوردن پایگاه‌های نظامی در آفریقا پیروزه در پی منطقه جنوب این قاره است بیکار نیست. سوسیال امریالیسم شوروی بار دیگر مبارزه آزاد یخ‌خلاق و مشکلات اقتصادی یارهای از کشورهای آفریقا را دستاویزی برای برپا کردن فاع فراراد فاست. پیروز سوسیال امریالیسم به این فاع با اعزام فیدل کاسترو و آغاز کردید که بیک رشته از کشورهای آفریقا و از آنجمله کشورهای مجاور منطقه توفانی مسافرت کرد و کشورهای "خود را از سر باز و اسلحه و کارشناس عرضه داشت. بدنبال او صدر هیئت رئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی یار کورنی به کشورهای منطقه شتافت تا در محل از آزادی "خلق‌های پیشینیان" کند و وعده "همگونی" مساعدت و از آنجمله تحویل اسلحه بدهد. اکنون یار کورنی فیدل کاسترو و هر دو در مسکو مشغول توطئه‌هایی علیه خلق‌های آفریقا هستند. توطئه‌های که باید با دست سربازان کوبائی و اسلحه شوروی انجام پذیرد و این منطقه پرثروت و استراتژیک را تحت نفوذ شوروی در آورد.

بار دیگر قاره آفریقا صحنه رقابت و وا بر قدرت است. هر دو ابر قدرت برای خلق‌های جنوب آفریقا اشک تمساح می‌ریزند، هر دو در "یاری" به این خلق‌ها بر یکدیگر سبقت می‌گیرند، هر دو یکدیگر را تهدید می‌کنند و از هم اخله در امور داخلی و بیگانه بر حد رسیدارند. هدف و ابر قدرت کاملاً روشن است: یکی از آن دو آمریکا رنگ‌بندی حفظ منطقه زرخیز و مهم جنوب آفریقا و بطور کلی قاره آفریقا برای انحصارها و کشورهای بزرگ آمریکا و اروپای غربی است؛ دیگری اتحاد شوروی در پی آنست که این منطقه پرثروت و از لحاظ استراتژیک مهم را از دست سوسیالیسم آمریکا و امریالیسم‌های غرب بیرون آورد و سلطه خود را بر آن بگستراند.

اما وا بر قدرت بیپوده خواب‌های خوشی بینند. مبارزه مسلحانه خلق‌های جنوب آفریقا علیه اقلیت نژاد پرست و بخاطر درهم شکستن اسارت و تبعیض نژادی وارد مرحله تازه‌ای میشود که مسلماً با برافزاندن و ولتهای نژاد پرست و افتادن قدرت بدست خلق‌های منطقه پایان خواهد پذیرفت. هر کسی که اندکی با تحولات در دهه اخیر جهان آشنائی داشته باشد چنین تحلیلی را برای العین می بیند. اما دولت ارتجاعی یانگ هیئت سرخوشی بخرج میدهند، توطئه‌های چند، بند و بست می‌کنند تا همچنان قدرت در دست اقلیت نژاد پرست باقی بماند. هم اکنون این دولت تصمیم گرفته برای جلوگیری از همکاری خلق زیباهو به نیروی مسلح آن، دهقانان و کارگران سیاه پوست را در وکاه‌های تحت مراقبت کردن آورد یعنی همان کاری که امریالیسم آمریکا در رویتام بد آن دست زد و سودی نبرد.

هیچ توطئه‌ای، هیچ اقدامی نمیتواند اراده خلق‌های جنوب آفریقا را برای آزادی سیاسی و اجتماعی کامل خود در هم شکند. مبارزه پیوسته شدت بیشتری خواهد گرفت و فرجام آن جز پیروزی درخشان خلق‌ها نتواند بود.

است که از وضع حقوق بشر در این کشور (کره جنوبی) نگرانی‌ها در اورده "مفدلک درک آمریکا به این کشور حتی تخفیفی هم نمی‌دهد است.

سلاح جدید امریالیسم آمریکا و پشتیبانی مقامات رسمی ایالات متحده و زواراضیان شوروی مقامات سوسیال امریالیسم را بشدت نگران ساخت است. دلیل آنهم اینست که در کشور روسیه اکنون حقوق بشر مانند هر کشور فاشیستی دیگر اعمال میشود. نظام در آن کرملین قانون اساسی شوروی را مانند ورق پارهای لگد خال می‌کنند و خلق شوروی را هیچیک از آزادی‌های دموکراتیک برخوردار نیستند؛ کشور شوروی اکنون بار دیگر زندان ملل است و کارک، بمانند ساواک در ایران، سلطه سیاه و شوم خود را بر سراسر شوروی، بر روی خلق هاگسترده است، هزاران زندانی سیاسی در راز و گاه‌ها و بیمارستان‌های روانی زجر و شکنجه می بینند، مقامات شوروی مانند شاها ایران از وجود زندانیان سیاسی اظهار بی‌اطفافی میکنند چون زندانیان سیاسی را اجابتکار میخوانند و در نتیجه برآند که در این کشور زندانی سیاسی وجود ندارد. کارک، بمانند حتی با بی پروائی در شوروی مسکوب میکند ارد و بد های از مردم بیکار را محروم و مقول میسازد تا مخالفان را "تروریست" و "جنایتکار" بنمایاند. اتحاد شوروی تمام خلق‌های معالک افکار خود را نیز از آزادی و استقلال از گدیه حقوق انسانی محروم ساخت است. اینها همه واقعیت‌ها است انگار نباید برآست. اما وقتی کارتر بر روی نقش حقوق بشر در شوروی اصرار می‌ورزد همه کسری فهمد که با حقوق بشر با شایسته سلاحی در رقابت خود با شوروی منظور جلب سمپاتی خلق‌های تحت اسارت است و نفوذ در ظهور شوروی بگاری برد چنانکه شوروی خود با شعارهای آزادی و استقلال خلق‌ها، با "کک" به خلق‌ها برای نبل به آزادی سیاسی و اقتصادی وارد میدان شده است چنانکه هم اکنون خود را قهرمان آزادی خلق‌های جنوب آفریقا مینمایاند.

ایران در جمع کشورهای جهان یکی از کشورهای نادر است که در آن حقوق انسانی با سمیت و به شیوه بهیمی نقض میشود. این واقعیتی است که مورد قبول همگان در سراسر جهان است، امریالیسم آمریکا که نماینده آن امروز احترام به حقوق بشر هم میزند خود باعث و بانی رژیی است که خلق‌های ایران را از هرگونه حقی حتی ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم کرده است. ده‌ها هزار زندانی سیاسی در سیاه جال‌های رژیم شاه شکنجه می بینند، صد هاتن از فرزندان خلق ما - فرزندان شیفته آزادی و استقلال میهن - در خیابان‌ها می‌مانند نهایی اعدا در خون خود می‌غلغند. این امریالیسم آمریکا است که همراه امریالیست‌ها

ایرانیالیسم... بقیه از صفحه ۱  
میگرد، با مبارزه آنها هیچ امید امیکردید و حتی از "کک" به آنها دریغ نمیداشت. اما اینهمه نه برای آنکه برای خلق‌های آزادی‌یابان آورد، بل برای آنکه امریالیسم شوروی را براند و سپس خود جای آن را بگیرد، در دست همان کاری که امروز سوسیال امریالیسم شوروی در قبائل مناطق نفوذ امریالیسم‌های دیگر انجام میدهد.

برای ما ایرانی‌ها این نمونه هنوز زنده است که چگونه امریالیسم آمریکا در زمان جنگ ویران‌سوم شهر پرورد را برهمنیست سر - سخنان انگلیس در زمینه واگد ار کردن بخشی از سهام شرکت نفت انگلیس و ایران به آمریکا از جنبش مردم ایران بخاطر پیروزی رساندن امریالیسم انگلیس پشتیبانی کرد تا بالاخره با گذراندن قانون صلی کردن صنعت نفت امریالیسم انگلیس را بزبان آورد و پس از کودتای ۲۸ مرداد سرانجام چهل درصد از سهام نفت جنوب را بخود اختصاص داد و بتدریج در تمام زمینهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جای امریالیسم انگلیس را گرفت. اگر در دوران نیست ساله رضاخان امریالیسم انگلیس بر ایران حاکم بود، در دوران ۲۵ ساله اخیر حکومت محمد رضا شاه امریالیسم آمریکا بر کشور ما مسلط گردید و هم اکنون مسلط است.

ایرانیالیسم آمریکایی پس از جنگ بر آن بود که در نتیجه طرد اثر لیسم از کشورهای استعمار زده "خلای" ایجاد بیکرد و امریالیسم آمریکا گویا رسالت جهانی از ادکابین خلاق را بر کند. امریالیسم آمریکا این سیاست را در تمام دوران پس از جنگ دنبال کرد و هنوز هم بدنبال آن روان است. اکنون تنها امریالیسم آمریکا گویا "خلای اخلاقی" در بسیاری از کشورهای موجود آمده است. این "خلای اخلاقی" چیزی جز نقض حقوق بشر نیست و آمریکا گویا رسالت دارد که این "خلای اخلاقی" را نیز بر کند یعنی بد فاع از حقوق و یا اعمال شده بشر بخیزد! جیمی کارتر از همان زمان بیکارانتخاباتی خود اعلام داشت که "مللی که در جستجوی دوستی و پشتیبانی آمریکا بماند باید فهمند که ایالات متحده میخواهد که به حقوق بشر احترام گذارد و شود". سایرین و سنس وزیر خارجه آمریکا در رساله صاحب مطبوعاتی ناگفته کرد که مسئله نقض حقوق بشر برای آمریکا دارای اهمیت اساسی است. اما بدیهی است این "اهمیت" در جاتی است که منافع توسعه طلبانه آمریکا چنین سیاستی را ایجاد کند. بگفته وزیر خارجه آمریکا در هر حالت ما باید همیشه توجه خود را نسبت به احترام به حقوق بشر بدهد فهای نظامی و اقتصادی خود متعادل سازیم و در نتیجه با آنکه آمریکا مدتی طولانی

کشورزی... بقیه از صفحه ۳  
تکیه کرده است که اگر ایران نتواند حداقل در صد احتیاجات مواد غذایی خود را خود برآورد از استقلال برخوردار نیست و در همان موقع که این رامیکت برای کشورزی ایران رشد سالانه ۵/۵ درصد را پیش بینی میکرد و برآن بود که اگر چنین رشدی دست یابیم در پایان برنامه فقط نیمی از احتیاجات کشور را "مین خواهد شد. اما این رقم ۵/۵ درصد برای آهنگ رشد کشورزی بر روی کاغذ ماند و در نتیجه در پایان برنامه احتیاجات کشورزی ایران از خارج از ۵۰ درصد به مراتب بالاتر رفت و اکنون سال به سال بر واردات مواد غذایی ایران پیوسته افزود و میگرد.

رژیم شاه در گذشته آهنگ رشد کشورزی را ۵/۵ درصد اعلام کرد و همان دست نیافت، اکنون آنرا تا ۷ درصد بالا برده است. در هر دو حال منظور آنست که ایران را در زمینه اقتصاد کشورزی، لاقط بر روی کاغذ، در حال پیشرفت نشان دهد. البته آنچه که در عمل بچشم میخورد و روشستی کشورزی و افزایش واردات مواد غذایی است و جزاین هم نمیتواند باشد.

سیاست ایجاد قطب‌های بزرگ کشورزی، سیاست مطلوب امریالیسم آمریکا است. این سیاست اختصاص به کشور مهم ندارد، سیاستی است که در قبائل کشورهای کم رشد به قاره اعمال میشود. کشورزی بدین ترتیب بصورت یکی از عوامل توسعه نفوذ امریالیسم آمریکا در میاید.

دیگر از این رژیم فاشیست آرمکش فاجده حمایت کرده و میکند. دلیل آن اینست که منافع اقتصادی و نظامی آمریکا در ایران مستلزم استقرار اوامه چنین رژیم حق کسر ضد انسانی است. مردم ایران که ده‌ها سال است عواقب سیاه منافع اقتصادی و نظامی آمریکا را با کوشش و پوست خود احساس میکنند به ندای کارتر اثر به "احترام به حقوق بشر" پاسخ می‌دهند و تسخیر آمیزند آرند. روزنامه "رستا (۲۹ اسفند ۵۵) نوشت: درخواست جیمی کارتر... رهبران قلد رابعین فکراند اخته است که با این خواست ها هم آهنگ شده و بر آن رانادیده بگیرند. "آری شاه قلد رکه به سابقه نوکری با "فراست" مقصود ارباب را دریافت فرید و ن هوید نمایانده دادم ایران در سازمان ملل متحد رابعین فرخواند تا از نقش ایران در این سازمان در مسئله "رفتر انسانی بازند انبان سیاسی" (آی بیست فطرت!) و "توجه به مسائل انسانی" با خبر نگاران طبیعت به صاحب بنشینند. مجلسین را "فرمود که کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر تشکیل دهند، اشرف پهلوی، این زن "عقیقه" که با اشاعه مواد مخدر در میان جوانان ایران و جهان به "حق انسان" هاد استعمال این مواد توجه خاص دارد، در اجلاس به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در نوا توجه رژیم ایران به "حقوق انسانی" مانند همیشه تزهاتی یافت، و تمام اینها هموز و بر روی برای آنکه کار ارباب خود را در این بخش از جهان که بمناسبت نقض حقوق بشر انگشت نمای خاص و عام است تسهیل کند و مراتب خد متکذاری بجای آورد. در از این خد متکذاری البته که باید "کلیه روسای جمهوری آمریکا صرف نظر از هرگونه تمایلات سیاسی و فلسفی خود از سیاست دوستی و همکاری با ایران پیروی کنند چنان که در گذشته کرد هاند، جیمی کارتر نیز تظنی رژیم شمارد فاع از حقوق بشر از این سیاست امریالیسم آمریکا نمیتواند سر بیچی کند چنانکه اسلاف او نتوانستند. بنا بر سفر ایران در واشینگتن و و کشور ایران و آمریکا موافقت نامه‌های تجارتی به مبلغ ۵۰ میلیارد دلار امضا کرد هاند ("کیهان اینترنشنال ۳۰ سپتامبر ۵۵ مطابق ۱۹ فوریه ۷۶). اگر آمریکا باید "دفاع از حقوق بشر را با منافع اقتصادی و نظامی خود متعادل سازد" در این صورت هرگز، ۵ میلیارد دلار با دفاع از حقوق انسانی خلق‌های ایران معاوضه نخواهد کرد.

اگر جزاین میباید امریالیسم آمریکا با امریالیسم آمریکا نبود. در وا بر قدرت آمریکا و شوروی، در بزرگترین ستکر جهان اند. هر جا که آنها ای میگردند جایی برای احترام به حقوق بشر باقی نمی ماند. آنها وقتی از آزادی و استقلال، از احترام به حقوق بشر دم میزنند در واقع دروغ بزرگی میگویند، چون گویا دروغ هر چه بزرگتر باشد بیشتر در اهان جای میگیرد. اما خلق‌های ایران هرگز فریب این "دلسوزیها" آمریکا و روسیه را نخواهند خورد. امریالیست‌ها هیچگاه جز اسارت و نقض حقوق بشر را نمی‌مانند آرند.

آزادی ایران و رهائی از رژیم ملی و اجتماعی کار خلق است و خلق است که با قیام خود، با در دست گرفتن اسلحه و تشکیل ارتش می‌تواند همه امریالیست‌ها را از هر نوع که باشند، روسی، آمریکائی، اروپائی، همراه با مابشران پست و آرمکش آنها کشته سرگردانی آنها را برعهده دارد تا نبود خواهد کرد و آزادی و استقلال و حقوق انسانی از دست رفته خود را با ز خواهد یافت.

آزادی ایران و رهائی از رژیم ملی و اجتماعی کار خلق است و خلق است که با قیام خود، با در دست گرفتن اسلحه و تشکیل ارتش می‌تواند همه امریالیست‌ها را از هر نوع که باشند، روسی، آمریکائی، اروپائی، همراه با مابشران پست و آرمکش آنها کشته سرگردانی آنها را برعهده دارد تا نبود خواهد کرد و آزادی و استقلال و حقوق انسانی از دست رفته خود را با ز خواهد یافت.

آزادی ایران و رهائی از رژیم ملی و اجتماعی کار خلق است و خلق است که با قیام خود، با در دست گرفتن اسلحه و تشکیل ارتش می‌تواند همه امریالیست‌ها را از هر نوع که باشند، روسی، آمریکائی، اروپائی، همراه با مابشران پست و آرمکش آنها کشته سرگردانی آنها را برعهده دارد تا نبود خواهد کرد و آزادی و استقلال و حقوق انسانی از دست رفته خود را با ز خواهد یافت.

آزادی ایران و رهائی از رژیم ملی و اجتماعی کار خلق است و خلق است که با قیام خود، با در دست گرفتن اسلحه و تشکیل ارتش می‌تواند همه امریالیست‌ها را از هر نوع که باشند، روسی، آمریکائی، اروپائی، همراه با مابشران پست و آرمکش آنها کشته سرگردانی آنها را برعهده دارد تا نبود خواهد کرد و آزادی و استقلال و حقوق انسانی از دست رفته خود را با ز خواهد یافت.

آزادی ایران و رهائی از رژیم ملی و اجتماعی کار خلق است و خلق است که با قیام خود، با در دست گرفتن اسلحه و تشکیل ارتش می‌تواند همه امریالیست‌ها را از هر نوع که باشند، روسی، آمریکائی، اروپائی، همراه با مابشران پست و آرمکش آنها کشته سرگردانی آنها را برعهده دارد تا نبود خواهد کرد و آزادی و استقلال و حقوق انسانی از دست رفته خود را با ز خواهد یافت.

بیک ... بقیه از صفحه ۱  
 آبروی در اردو سته کمیته مرکزی را برپا داد و همکاران را در اردو  
 دشمن خلق گذاردند و از آنها پیش ازین شوری گردانیدند. بدیهی  
 است چنین وضعی مقاصد شوروی را برنمیآورد و لازم آمد تغییر در  
 آن صورت پذیرد از اینرو بیک ایران "ابتدا مبارزه در راه آزادی بیهای  
 ن مملکت را طبقه مبرم خویش شمرده و پس از چندی "سرنگونی"  
 رژیم را در دستور کار خود گذاشته "رمز" و "پیام" پراکند کفکوسا  
 مشغول سازماندهی علیه رژیم بخاطر سرنگونی آن است. اما در  
 هیچیک از شعارهای خود قاطعیت نداشته نمیتوانست داشته  
 باشد. تبلیغاتش بیشتر در حلقه این محورها و میزب کسناغ شوروی و  
 آمریکا را در ایران تلفیق دهد. طبقه وابسته به امپریالیسم آمریکا نگاه  
 دارد اما جز بقوت مایران نیز از شرکت در ستکام رژیم سوسی داشته باشد  
 اکنون اتحاد شوروی و اقارآن بویزه بلغارستان صلاح در این  
 دیدند که به خواست شاه ایران در اثره تعطیل صدای شوروی  
 "بیک ایران" پاسخ مثبت دهند. اینست که ناگهان این زبان  
 گویای خلق به لکت افتاد. حقیقت گرفت و "مانگرسا" "سرو"  
 نشست. در اردو سته "کمیته مرکزی" یکبار دیگر قربانی منافع مطامع  
 اربابان خود گردید و بایکد نیاخته و اقتضای زبان بند شد. آید  
 بررسی کوتاهی از محتوی گفتارهای دیگمشد ماین را در یونشان  
 میدهد که این را در بیک واقعی ایران نبود، بیک اسارتگران و  
 انقیاد خواهان ایران، بیک جیره خواران بارگاه مکرملین بود و امواج  
 ناموزنش بیل و خواست تزارهای توین و بدست مردمانی زبون و  
 بی اراده و بنفوسان در میآمد. ستایشگریها و خوشترقی های براد یو  
 "بیک" مانند فریاد ها و حمله های پش رویا بر محمد رضا شاه منافع  
 منافع خلق و آزادی و استقلال ایران بلکه بخاطر نیل به سود اکبری  
 های تنگنای اقتصادی و سیاسی و نظامی استثمارگران روس و ملیت خلق  
 این صدای ناموزن وظیفه تخدیر افکار انقلابی خلق و ترویج  
 اندیشه های سازشکارانه و ضد انقلابی را بر عهده داشت. مواضع  
 را در بوی "بیک" همواره تا به تحسیرات سیاست روز امپریالیسم شوروی  
 و روابط آن با رژیم شاه بود و این تمیحت و تحسیرات آنقدر تکرار و  
 تکرار شد که منتها کسی در پی اعتباری گفتارهایش ترید روانعید داشت  
 بلکه خود روسها نیز بهی اثری بی آبروی صدای خویشی بردند.  
 شامزد و وزیر بیکار نشستند و درین تلاشهای چندین ساله خود  
 در صد و برآمد ککار را بیکسر کتید. و صدای "بی بند" مزاحمین را به  
 بند کشید. خوان نیما گسترش شد. دیدارهای رسمی و غیر رسمی  
 مذاکرات و همکاریهایی اقتصادی و فنی، انعقاد قرارداد دوستی و  
 همکاری با نزد ساله، تشکیل کمیسیونهای مشترک سالیانه و در نتیجه  
 شرکت سوسیال امپریالیسم و اقارآن در رفتار و استثمار خلیقهای  
 ایران بالاخره با خود را کرد. در این میان بلغارستان که به جالیز  
 روسها شهرت دارد و به برکت معنیات "برادر بزرگتر" با معضلات  
 اقتصادی علاج ناپذیری دست بگریبان است. آس برنده را دست  
 داشت چون مقررات بوی "بیک" ایران در ریاست این کشور بود.  
 بلغارستان از اروپای شرقی و ایران از آسیا طرفداری خود را  
 از سیستم امنیت جمعی در آسیا اعلان داشتند. نخست وزیران  
 دو کشور درباره مسائل بین المللی نظرات مشابه میانزدیک بهم  
 پیدا کرد و "وشتیبانی خود را از مساعی پیکیری که جهت حفظ و تحکیم  
 مبانی صلح جهانی بر اساس منشور سازمان ملل متحد و اجزای اصول  
 همزیستی مسالمت آمیز بین ملت ها صرف نظر از نظام اجتماعی شان  
 بعمل می آید ابراز داشتند" (اطلاعات هوایی ۲۶ سامبر  
 ۱۹۷۶ - تکیه از توفان)

بعد از توافق بر روی مسائل مهم ملی و بین المللی دولت  
 ایران ۵۰ میلیون دلار به بلغارستان سوسیالیستی جهت طرح  
 های کشاورزی اعطا کرد، حجم مبادلات بازرگانی از ۶۰ ملیون  
 دلار به ۱۳۰ ملیون دلار رسید. علاوه بر اینها در برکت اقتصادی  
 که بین هوید اوستانکو و روفی رئیس شوروی وزیر بلغارستان پی  
 انضا رسید، ایجاد یک کارخانه تهیه پنییر بلغار در گلیایگان، تا  
 یک کارخانه کسرومیوه و سبزی در کرسار ایجاد شد. کارخانه  
 میوه و گوشت، تولید یک واحد پرورش مرغ گوشتی در ریشا بورا ایجاد  
 شد.

نیایی ... بقیه از صفحه ۴  
 دانستن این امر که کدام امپریالیسم خطرناکتر است مسئله زمان و کشور است و نه مسئلهای در ماهیت  
 برای ملاحظه کرد و نیاجود اردو بیک دشمن که مایمونانیه آن مقابله بر خیزیم بدین ترتیب که در  
 مبارزه کنیم، چون این بورژوازی با بورژوازی همه کشورهای جهان سرمایه داری در آمیخته است. درست یا نیت است که سرنگونی  
 بورژوازی در انگلستان تاثیر مخرب بزرگی بر تمام جهان سرمایه داری خواهد گذاشت. و این تاثیر فقط باین جهان محدود نخواهد شد،  
 کشورهای سوسیالیستی را نیز تقویت خواهد کرد که در واقع تکلیفی است که ما باید به برادران طبقه کارگر خود در این کشور ها ادا کنیم که با  
 تحمل قربانیهای فراوان قابلیت حیات سیستم سوسیالیستی را نشان داده اند.

کشاورزی ... بقیه از صفحه ۴  
 او در صحنه جهانی فعال عمل میکند بدین معنی که با ایاد خود در کشورهای کمربند و  
 توسل به ۳ اصل حیات ارضی "از نوع ایران یا بطریق دیگر کشاورزی  
 آنها را بورشکستی میکشاند، تولید قوت لا بخت را از آنها میکیرد،  
 سپس آنها را به کرسکتی تهدید میکند تا آنکه منظوری حاصل آ  
 اما این هنوز یک طرفه مدال است. امپریالیسم آمریکایی  
 از آنکه بادست دولتهای دست نشانده مانند ایران ساختمانها  
 زیربنایی ایجاد کرد آنگاه با سرمایه های ناچیز و گرفتن وام و اعتبار از  
 کشورهای جهان، واحد های تولیدی بزرگ کشاورزی بوجود میآورد، از  
 دست های حاصل خیز و آب و برق ارزان یا رایگان استفاده  
 میبرد، نیروی کار ارزان بکار میکیرد و اینها همه نه برای آنکه  
 بنیاز مندیهای اهالی کشور پاسخ گوید بل، برای آنکه محصولات  
 صادراتی تولید کند و آنها را در بازارهای جهانی بفروشد و  
 سود های کلان حاصل را نیز از کشورهای خارج کند تا توسعه تولید  
 کشاورزی کنی تکرر باشد. امپریالیسم آمریکا بایک تیر و نشان  
 میزند: زمین و آب کشور کم رشد را بکار میکیرد تا تولید کند و سود ببر  
 و در ضمن حال مردم کشور را از تولید محصولات کشاورزی محروم نیاز  
 محروم گرداند و محتساج خود سازد. آنگاه است که واردات  
 کشور کم رشد را در دست میکیرد محصولات خود را به بیهای کران میفرو  
 و از آن نیز سود هنگفتی میبرد و این فقط جنبه اقتصادی مسئله است.  
 کشور مستقل "مانونه" روشنی از این وضع است. رژیم شاه که  
 در رگیه زمینه ها و از آنجمله در زمینه اقتصاد مجری سیاست  
 امپریالیسم است در همان ایرانی را که تولید کننده اساسی محصولا  
 کشاورزی است بحال خود رها کرده است "هیچگونه کنی بهمانی و نه  
 فنی باو میدهد برای دهات تا سیاست زیربنایی مانند جاده ها  
 روستایی که از طریق آنها میتوان مازاد تولید خود را با بازار بر ست  
 نیسازد و در نتیجه تولید کشاورزی را بورشکستی ورکود کامل میکشاند  
 در همان زمینهای خود را رها میکند و دولت آنها را در اختیار میکیرد  
 پارچه میکند و آنها را بصورت قطبهای بزرگ کشاورزی در میآورد که  
 در آنها سرمایه های مخلوط ایرانی و خارجی یا خارجی بتنهایی  
 بکار میآوند و محصولات تولید شده بخارج صادر میکرد.

نتیجه این سیاست وابستگی شدید مواد غذایی مردم  
 ما بخارج بویژه به امپریالیسم آمریکا است. این واقعیت را از روی  
 افزایش واردات کشاورزی ایران بخوبی میتوان دید. گزارش  
 بانک توسعه کشاورزی ایران حاکی است که در ۱۳۵۴ سال  
 که باعتراف مقامات دولتی وضع جوی مساعد بوده محصولات غذایی  
 از طریق تولیدات داخلی نه تنها تامین نگردید بلکه واردات  
 این محصولات نسبت به سال قبل افزایش نشان میدهد. در  
 ۱۳۵۴ سال ارزش واردات محصولات زراعی نسبت به  
 دوره مشابه سال قبل ۶۱/۴ درصد و ارزش واردات محصولات  
 دای نسبت به دوره مشابه سال قبل ۶۸/۴ درصد افزایش یافت  
 و بقیه از سال گذشته از اینهم وخیم تر است.

یک کشتارگاه مجهز به سردخانه و ... در نظر گرفته شد. مزارع ایرانی  
 نیز جهت فروش نفت به بلغارستان صورت گرفت. در از این  
 داد و ستد های پایاپای و بخاطر برقراری موازنه کامل، صدای  
 بی بند و بار را در بوی "بیک" از نفس افتاد.  
 آنطور که شواهد نشان میدهد گویا قرار بر این نیست که  
 تعطیل را در بوی "بیک" کاملاً مخفی بنماند و مبرور از طرف روسیونستها  
 کمیته مرکزی ملت آن شکالات تکلیفی عنوان شود تا شاید بعد  
 فرجی حاصل آید و احیاناً شکالات برطرف گردد. اما این  
 موافقت برای رژیم شاه چیزی نبود که بسکوت برگزار شود. شاه  
 با عهد شکنی دست روسها و عاملین آنها را رو کرد و "سراسر طرفی  
 معامله را عیان ساخت."  
 را در بوی "بیک ایران" فعلاً با امتیازاتی که سوسیال امپریالیسم  
 و اقارآن بدست آوردند در محاق تعطیل افتاد تا دست  
 شهید و باز شوروی و خد متکذرات ایرانی آن بازچه شهید و  
 نیرنگ تازه های از آستین بد آورند! انقلابیون ایران باید بیوسته هشی  
 باشند و در راههای تازه ای که این دشمن خلق خواهد گسترده نیفتند  
 آن شکنی را بدیم که دلخواه است.

آن شکنی را بدیم که دلخواه است.  
 در حال حاضر در تمام مسافریهایک نفر پاسان یا بقول  
 دیگری از مزدوران ساواک در لباس پلیس کشیک میدهد.

مقامات دولتی ایران برای آنکه ورشکستگی کامل کشاورزی  
 را بهوشانند و کشور را در حال پیشرفت نشان دهند بدو سهانفوسل  
 میجویند: نخست اینکه کمپانی یا ناایایی محصولات کشاورزی ام از  
 زراعتی بازاری و در نتیجه افزایش واردات این محصولات بعلت افزایش  
 جمعیت است که بنا به آمارهای رسمی به رقم ۲/۷ بالغ میکرد  
 و همین اعتراف بر این است که تولید کشاورزی، علی رغم ارقام  
 بزرگی که مقامات دولتی بدست میدهند از آنکه رشد حتی ۳  
 درصد هم برخوردار نیست. دوم اینکه بعلت افزایش سریع  
 درآمد های مردم و بالا رفتن سطح زندگی آنها و در نتیجه از دیا  
 تقاضای برای محصولات غذایی، واردات این محصولات نیز افزایش  
 یافته است. در حالیکه مردم خود می بینند و لمس میکنند که  
 افزایش درآمد آنها بمراتب از افزایش هزینه زندگی و گرانی  
 سرسام آور عقب است و دستمزد و حقوق آنها کافی حد اقل نیاز  
 مندیهای آنها را نمیدهد. البته در ایران اقلیت کوچکی ثروت و  
 مال بهم زد مانند درآمد های افسانه ای دارند، ولی این  
 اقلیت را نمیتوان بجای توده مردم جا زد.

وزیر کشاورزی در رساله های قبل بر این نکته بقیه از صفحه ۲  
 شانزه ... بقیه از صفحه ۴  
 خود میبرد که تاکنون از آنها خبری نیست و لا بد مانند صد ها کارگر  
 ایرانی در سیاهچاله های محمد رضا شاه خائن در زیر شکنجه اندند.  
 معدنک مبارزه با همان شدت ادامه پیدا میکند. سازمان جهانی  
 امنیت برای خواباندن اعتصاب هر چه شدت عمل بیشتری بیه  
 خرج میدهد که نتیجه میکرد. در روز نهم اعتصاب، هم زمان با  
 آمدن شاه خائن به اهواز ساواک کوشش بیشتری میکند و به حلیه  
 متوسل میشود و با گرفتن خاطر ملوکانه از اعتصاب ناراحت خواهد  
 شد، ما قول میدهم در مورد مقرر سو و بویزه راه برد ازیم و کارگران  
 اخراجی استخدام میشوند، اعتصاب پایان می پذیرد. (بله  
 صدای اعتراض هزاره شکنش و هزار کارگر ایرانی مانند نشتری است که  
 بر لب این شاه خائن و ارباب یانکی ان فرورود و هر لحظه  
 بیشتریهای ظلم و ستم خود را از زبان می بیند) استخدام کارگر  
 اخراجی شروع میشود ولی نه با در نظر گرفتن سابقه کار آنها بلکه  
 یک کارگر جدید (یعنی همان بلائی را که به سر محرم کارگر زحمتکش  
 کارخانه سیمان حقیقت تهران آوردند و با حقه و نیرنگ سابقه  
 کارچندین ساله او را هیچ کردند) بازور سزیزه و فترت های  
 قدیمی آنها را میکشند و نه جای آنها یک دفترچه جدید میدهند  
 که در آن قید شده است این کارگران این روزها کارگر کارخانه است.  
 هنوز از سو و بویزه خبری نیست. کارگران که به روشنی های آنها  
 وارد بودند مبارزه را به صورت دیگری خرابکاری در اجناس کارخا  
 ادامه میدهد و لوله ها و اجناس دیگر از شکل استاند ارد خارج  
 کرده و تخمیراتی در طول و عرض و قطر آنها میدهند و باعث ضرر  
 هنگفتی برای کارخانه میشوند و چون سرمایه داران خود را زبون در  
 مقابل آنها می بیند سو و بویزه راه آنها پراخت میکنند.  
 و این آغاز مبارزه است. مبارزه ادامه خواهد یافت و نسا  
 احتیای حزب طبقه کار و با رهبری آن تمام توده زحمتکش مبارزه خواهند  
 و ملیونتها مشت بر سر این خون خواران فرود خواهد آمد.  
 شهادت علی کارگر ۲۵ ساله انبارتوشه شرکت لووان تور

بدست مزدوران ساواک  
 علی یکی از هزاران کارگر زحمتکش ایرانی بود که سالها از زمان  
 نوجوانی با کمترین حقوق در انبارتوشه شرکت مسافری لووان تور  
 واقع در تهران در خیابان ویلا کار میکرد و مستو کار او گرفتن بار و  
 توشه مسافران بود. چون باریک شخص ناشناسی را که بعد ها  
 چریک از آب درآمد بود گرفته بود بوسیله افراد جهنی ساواک  
 مزدوران سیا و چند نا افسر شهرستانی در محل کارش در بهار سال  
 ۵۵ به فحیح ترین وجهی شکنجه میشود و آن قدر شکنجه او میزند  
 که بعد از ۲ روز بی هوشی میبرد.  
 در حال حاضر در تمام مسافریهایک نفر پاسان یا بقول  
 دیگری از مزدوران ساواک در لباس پلیس کشیک میدهد.

عنوان مکاتبات  
 X.DR.GIOVANNA GRONDA  
 87030 ARCAVACATA (CS) ITALY  
 حساب بانکی  
 X.DR.GIOVANNA GRONDA  
 CONTO 17549/11  
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
 MILANO/ITALY

# اتحاد کارگر و دهقان ضامن پیروزی انقلاب ایران است!

شانزده روز اعتصاب کارخانه نورد اهواز  
وسیمان فارسیت اهواز

کارخانه نورد اهواز ریست کیلومتری جنوب اهواز واقع است یکی از چندین کارخانه استانی در ایران است که بوسیله سرمایه داران خارجی و ایرانی تا سیر بوسیله آلمانی ها اداره میشود. در این کارخانه ۴۰۰ کارگر و حجتکار ایرانی به کار مشغول اند. حقوق متوسط این کارگران از بد و استخدا و نسبت قدرت کار آنها بین روزی ۱۸ الی ۲۸ تومان نوسان میکند. این کارگران مانند تمام زحمت کشان ایرانی در بدترین شرایط چه از لحاظ کار و چه از لحاظ بهداشت قرار دارند. از بهداشت و مسکن و مزایای حقوقی بطور کلی خبری نیست حتی حقوق... تومان در ماه آنها هم سر موقع بدست آنها نمیرسد. در سال اخیر در ماه... دریا با خاطر مسکن کم میشود.

ولی همیشه نام خانه نصیب این کارگران میشود. این فشارها و فشارهای دیگر کارگران را به مبارزه با این خون خوار و امیدارد. مبارزه در مهترماه... به اشعار مسکن و اضافه استمرز بایک اعتصاب همگانی شروع میشود و بعد خورد هائی بین کارگران و مزدوران ساواک می انجامد و کارخانه بوسیله عدیه زیادی از سرمایه لشکر ۳۳ زرهی اهواز محاصره میشود. این مبارزه ۷ روز طول میکشد چون این کارگران فاقد رهبری صحیح بودند اعتصاب پایان پیدا میکند فقط به یک مقدار قلهائی که "آقای رضائی" (رئیس کارخانه که از افراد با سابقه ساواک و خود یکی از سهام داران است) می دهد دل خوش میدارند.

کارگران هر چه صبر میکنند از قله با خبری نمی بینند و را واگذارند و تقاضای دریافت سود ویژه از کارخانه میکنند ولی ترتیب اثری به آن داده نمیشود. کارگران روز اول اعتصاب دست از کار میکشند و با شعارها (سود ویژه بخواهیم) اعتصاب همگانی را شروع میکنند. بازم مثل همیشه کارخانه محاصره و در روز متوالی زد و خورد های زیادی بین این کارگران ستم دیده و مزدوران ساواک در میگردد. روز سوم اعتصاب کارگران که طی حملات پلیس عدیه زیادی از آنها زخمی شده بودند بازور قذافی تفنگ از کارخانه اخراج میگردد. کارگران خشمگین تراز همیشه به مبارزه ادامه میدهند و شعار (ما برادران کارگر اخراجی خودمان را میخواهیم) به شعار قبلی اضافه میشود. مبارزه اقتصادی کارگران به مبارزه سیاسی تبدیل میشود. کارگران کارخانه سیمان فارسیت اهواز (این کارخانه در ۱ کیلومتری کارخانه نورد اهواز قرار دارد و دارای ۴۰۰ الی ۵۰۰ کارگر و حجتکار است که شرایط بدتری از کارخانه نورد دارند) اعلام همبستگی با برادران کارگر کارخانه نورد اهواز کرد و با همان شعار دست به اعتصاب میزنند. مبارزه هر لحظه به پیشرو میگیرد و روز پنجم اعتصاب و مبارزه به کارخانه شبیخون میزند و شش تن از کارگران را که ظاهراً رهبری اعتصاب

کشاورزی وسیله ای در خدمت توسعه طلبی

کشاورزی در جهان پیوسته اهمیت بیشتری پیدا میکند، برخی محصولات غذایی خصلت استراتژیک یافته اند که با در دست داشتن آنها میتوان طرف مقابل را بناد و آورد. میتوان مانند نیروی اسلحه از آنها استفاده کرد. نامیرالیسم آمریکا که از لحاظ تولید محصولات کشاورزی مبدی برای نیرو و توان شکرکی است، وسیله تازه ای برای تسلط بر بسیاری از کشورهای تحمیل سیاستهای امپریالیستی خود در اختیار گرفته است. کشورهای دیگر که از هم اکنون خطر چنین سلاحی را احساس میکنند در بین آنند که توسعه ورشد کشاورزی خود را تا آنجا که ممکن است از واردات محصولات غذایی مهم بی نیاز گردانند. تا آنجا که ممکن است ذخیره های غیر چه فراوانتر از این محصولات فراهم آورند که به هنگام سختی در زمان تسلیم نشوند. بدین ترتیب اهمیت شاخه کشاورزی بخفته به انسان محدود نمیمانند. دامنه اش به محیط سیاسی و نظامی نیز کشانیده شده است. کشورهای که تولید کشاورزی آنها کافی نیازمند بهای جمعیت کشور را نمیدهد بیشتر در معرض تهدید و خطر قرار میگیرند بویژه اگر از لحاظ ژئوگرافی طبیعی غنی باشند یا از لحاظ نظامی در موقعیت استراتژیکی ممتاز. امپریالیسم آمریکا برای استفاده از این سلاح پاسیونیت اور و انتظار نمیداند که در کشوری خشکسالی پیدا آید تا مانند اجل معلق بر سر آن بتازد و کالای خود را عرضه کند. بقیه در صفحه ۳

از نامه استالین به شاتونوفسکی (اوت ۱۹۳۰)

"... شما در نامه خود از "ارادت" بمن سخن میزنید. شاید این نکته بطور تصادفی در نامه شما آمده باشد. شاید... اما اگر این جمله تصادفی نیست مایلیم بشما اندرز دهم از اصل "ارادت" به اشخاص دست بکشید، این یک شیوه بلشویکی نیست. ارادت به طبقه کارگر به حزب آن، به دولت آن باشد. این امری خوب و مفید است. اما آنرا با "اخلاص" به اشخاص یعنی این بازیچه عبت و بیهوده روشن فکران سبک مغز خلط ننمائید."

با درود های کمونیستی - استالین  
(جلد ۱۳)

دنیائی واحد منقسم به طبقات

نشریه حزب کمونیست انگلستان (مارکسیست - لنینیست) "ورورکر" در شماره ۲۴ ژانویه ۱۹۷۷ خود مقاله ای تحت عنوان "دنیائی واحد و منقسم به طبقات" انتشار داده است که در زیر به ترجمه آن مبادرت میورزیم.

در سراسر جهان، دنیوی طبقاتی، طبقه سرمایه دار طبقه کارگر در برابر یکدیگر قرار گرفته اند که هم از لحاظ شیوه زندگی و هم از لحاظ شیوه تفکر مطلقاً بیکدیگر متفاوتند. از یک سو سرمایه داران و از سوی دیگر تولید متناسب نیازمند بهای مردم، آزادی و صلح. میان کشورهای که در آنها طبقه کارگر قدرت است مانند چین و آلبانی ویت نام و کشورهای که در آنها طبقه سرمایه دار قدرت دارد دست دراز یک خط مرزی کشیده شده است. کشورهای سوسی وجود ندارند که در آنها یکی از این طبقات بر سنده قدرت نشسته باشد. در هر دو هر کشور نیز میان نیروهای سرمایه دار - که در هر جا که قدرت در دست آنها است با سمیت روز افزونی حکومت میرانند یا در هر جا که سرنگون شده میکوشند و بار خود را بر سنده قدرت بنشانند - و طبقه کارگر که میتواند در همه جا با قدرت گرفتن قدرت و حفظ آن به استشاریایان بخشد یک خط مرزی کشیده شده است. از این رو است که طبقه کارگر در هر کشور باید حزب مارکسیست - لنینیست خود را داشته باشد که سوسیالیسم علمی را بر شرایط کشور خود انطباق دهد.

انگلستان در این گروه بندی طبقاتی جای خاصی را اشغال میکند. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که به سرمایه داری بریتانیا برای بهبود موقعیت لیره استرلینگ وام میدهند نمودار این امر است که انگلستان در خط اول سرمایه داری جهانی است. بریتانیای کبیر که اولین کشور سرمایه داری بود در چارچوب بحران عمومی سرمایه داری از این جهت ممتاز است که در آن تضاد های دگر و فوق العاده حاد است. ماهیت اصلی این تضاد ها مبارزه میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار است که طبقه کارگر را استثمار میکند. در انگلستان این مبارزه از هر کشور صنعتی دیگر تکامل یافته تر است.

برای بورژوازی این کشور هر روز بیش از پیش دشوار میشود که بر طبق دموکراسی بورژوازی حکومت کند. تعرض ضد انقلابی سرمایه داری در مبارزه اقتصاد بی نبال شکست همه فرم ها و کاهش بزرگ دستمزدها نمودار است. برای پیشبرد باید اشکال قدیمی مبارزه را برای بهترین دستمزدها و بهترین شرایط کار مورد استفاده قرار داد اما این اشکال قدیمی مبارزه کنونی اشکال انقلابی اند. ماهرگز نمیتوانیم از مبارزه طبقاتی دست برداریم یا با دشمنان طبقاتی از مصالحه و سازش در آئیم. ماهرگز نباید با بورژوازی خود در یک بستری خوابیم. نباید در یک بستر مشترک سرمایه داری انحصاری که بورژوازی با آن با بورژوازی های اروپای غربی تدارک می بینند بخوابیم. شرکت در بازار مشترک و تحت قیمومیت درآمدن و قرارداد های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی جز لاینفک ضد انقلاب سرمایه داری انگلستان در جنبه سیاسی است. ما با قاطعیت علیه شرکت در بازار مشترک مبارزه میکنیم. ما در انتخابات مستقیم در روئین برای پارلمان اروپائی شرکت نخواهیم کرد همانطور که در انتخابات دروغین انگلستان که سرمایه داران از طریق آن حکومت خود را بر ما اعمال میکنند، شرکت نمیجوئیم. ما با تحت قیمومیت درآمدن مبارزه میکنیم و از هر گونه توسل به آراء عمومی استفاده نخواهیم کرد برای آنکه مخالفت طبقه کارگر را نسبت به این اقدام که پایه ملی ما را نابود خواهد کرد و نمای سیاسی کوشش اقتصادی برای نابودی پایه صنعتی ما است ابراز خواهیم داشت. ما در مبارزه خود شرایطی را که بر اساس آنها بورژوازی ما سرمایه مالی بین المللی توافق نموده است بر سمیت نمی شناسیم.

همانگونه که در سند کنگره سال ۱۹۷۶ ما خاطر نشان شده است: تولید یک قدرت جدید روزی نیستی در کشوری سابقاً سوسیالیستی یعنی اتحاد شوروی ضربه ای به مبارزه طبقه کارگر وارد آورد و آنرا تضعیف کرد. تولید این قدرت در واقع تزریق آدرنالین به سرمایه داری در حال نزع بود برای آنکه هرگز آنرا نتعمیر و ترمیم نکند.

ما به هندستان و همکاران این سیر قهرقرائی تبدیل خواهیم شد اگر فلسفه همزیستی را برای نجات انگلستان و اروپا از شر اتحاد شوروی بپذیریم. هرگز نباید طبقه کارگر که کشور متحد امپریالیسم ضعیف تر یا امپریالیسم کمروضعف میروند باشد ماهرگز نباید از مقابله خود با امپریالیسم انگلیس دست برداریم که بر بخشی از ایرلند حکومت میکند. میکوشد اداره مستقیم و زیاده و باره در دست خود بگیرد و بسیاری از بخشهای دیگر جهان را با این بهانه که بریتانیای کبیر را خطری تهدید میکند تحت تسلط خود در آورد. دفاع از بریتانیای کبیر بر عهده ما، بر عهده طبقه کارگر است. این یگانه قیمومیتی است که می پذیریم. ما بریتانیای کبیر را انجام کردیم. ما باید آنرا نجات دهیم.

ما میان خطری که از جانب امپریالیسم شوروی ماراتهید. بد میکند با خطری که از جانب امپریالیسم متوجه است تفاوتی نیکند. ارم به این دلیل ساده که آنها هدف فهای واحدی را تعقیب میکنند. ما به ما هیت جنگ افروز امپریالیسم نمیتوانیم. بقیه در صفحه ۳

درباره روابط میان احزاب برادر

مورد قبول قرار گرفته است و نه قطعنامه های این یا آن حزب برادر. "وقتی کسانی به فرمان جوید دست میدون قید و شرط مسیر خود را تغییر میدهند این امر را بهیچوجه نمیتوان به مثابه روابط متقابل مستقل، برابر و عادی تلقی کرد که باید میان احزاب برادر برقرار باشد. این روابطی است بغایت غیر عادی، فتودالی پدرسالاری، ظاهراً بعضی از رفقا بر آنند که میتوان کاملاً منافع پرولتاریا و خلق کشور خود را نادیده گرفت و نیز میتوان کاملاً منافع پرولتاریای جهانی و خلقهای سراسر جهان را نادیده گرفت و در جای پای دیگران گام برداشت. اما کجا باید رفت - به غرب یا به شرق به پیش یا به پس - این برای آنها کاملاً یکسان است. آنها کلمات دیگران را تکرار میکنند و در جای پای دیگران گام بر میدارند. در اینجا بیشتر طوطی صفتی است تا اصلیت مارکسیست - لنینیست."

حزب کمونیست چین در ریکاردا و اخبار آمیز خود علیه روزیست مدین آموزشهای گرانبهای بدست داد که همه مارکسیست - لنینیست ها از آن آموختند و میآموزند. حزب کمونیست چین به ما آموخته است که: احزاب برادر در روابط متقابل خود برابریستند هیچ کس حق ندارد بطلبد که همه احزاب برادر را حاکمی را کاین یا آن حزب بعنوان کرده بپذیرند. قطعنامه های هر کنگره هر حزب نمیتواند به مثابه شی مشترک جنبش کمونیستی بین المللی تلقی گردد و برای احزاب برادر دیگر نیروی الزامی ندارد. اگر مورسیر تو روز رفقای دیگر با چنین طیب خاطری احکام و قطعنامه های حزب برادر را بپذیرند، این مربوط به خودشان است اما آنچه که مربوط به ما، حزب کمونیست چین است ما بر آن بود ایم و بر آنیم که شیوه های مشترک عمل که برای ما و همه احزاب برادر الزام آور است فقط میتواند مارکسیسم - لنینیسم و فقط اسنادی باشد که توسط احزاب برادر به اتفاق آرا

(اختلافات از کجا منشا میگیرند. جواب به تورز و رفقای کیم)

موفق باد مبارزه بخاطر احیاء حزب طبقه کارگر ایران!

(( جاسوسان پساد خصا طره شهدای ۱۶ آذر ))

شماره ۴

در ۱۸ مرداد سال ۱۳۲۲ آمریکا با صرف بیش از ۱۶ میلیون دلار دولت ملی و قانونی دکتر صدق را برانداخت و شاه فراری را به ایران بازگردانید. رهبری کودتا را زاهدی و دیگر سرکردگان ارتش و پلیس که حیره خود را از آمریکا و انگلستان دریافت میکردند به عهد داشتند و سیاهی لشکر آن را لومین ها ( اراذل و اوباش ولکسوردان و چاقوکشان ) تشکیل میدادند. چند ماهی از ورود شاه فراری به ایران میگذشت. میدانها و خیابانها و کوچه ها از خون فرزندان دلیر خلق رنگین شد. بود. دژ خیمان پهلوی دهها هزار زن و مرد و پسر جوان را به سیا. چال انداخته و پیکر دست بسته هزاران عاشق پاکباخته را. وطن و آزادی را به مسلسل بسته بودند. ظاهرا آنها از آسیاب افتاد. بود و قدار. بندگان رژیم هر همه جا سلطه بودند. دولت آمریکا تاج و تخت شاه را به او بازگردانید. بود و اکنون نمایند. خود نیکسون را روانه ایران میساخت تا امتیاز نفت این فرانسیس ترسین شروت ملی ما را بچنگ آورد. اما آتش انقلاب ایران با وجود آنهد کشت و کشتار همچنان زبانه میکشد. مسلت ایران قربانیان خویش را از یاد نبرد. بود. دانشگاه. این مشعل فرزندان علم و دانش این سنگر شکست ناپذیر خلق این جایگاه. جوانان پرشور و میهن پرست یکپارچه خشم و آتش بود.

تا اینکه در روز ۱۶ آذر همان سال بعد از چند روز محاصره کردن دانشگاه تهران پلیس مزدور ایران برای اولین بار در دنیا از طریق هوا و زمین به دانشگاه هجوم برد. و صحن قدس آنرا از خون دانشجویان وطن پرست شویعت رضوی قندچین و بزرگ نیا گلگون ساختند. اینک بیش از بیست سال از آن حاصه تاریخی میگذرد. در این سالها رژیم خونخوار پهلوی یک دم از جنایت و کشت و کشتار نیامود. است. اما در این مدت نهضت دانشجویی ایران پاهای جنش خلق پیشرفته است از واقعه سیاهگل به بعد شاهد انقلابی بیسابقه نهضت دانشجویی بود. ایم.

دانشجویان میهن پرست ایرانی در خارج از کشور در صفوف کفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی همپسای دانشجویان داخل کشور دلیرانه به میدان مبارزه گام نهادند. رژیم شاه دانشجویانی را که در راه دفاع از آزادی و سرنگونی میهن خویشها خاسته اند و در برابر امپریالیسم آمریکا و روسیال امپریالیسم شوروی و دیگر امپریالیستهای ریز و درشت فریاد اعتراض برداشته اند به گلوله میزند. عذبه دانشگاه را به سر باز خسانه بدل کرد. و در سر گوشه و کنار آن مأمور گمارد. است. کماندوهای شاه جلاد هر روز و هر ساعت به خوابگاههای دانشجویان سالنها. فا. خوری پرورشی برند و آنچه را که در راه خود می یابند در هم می شکنند. اما آنگاه که اتحاد میان دانشجویان و تود. های زحمتکش مستحکم گردد و نهضت روشنفکری ایران در راه احیای حزب طبقه کارگر ایران گام نهاد. آنگاه که عوم طبقات مبارز در جبهه واحدی بر رهبری طبقه کارگر گرد آیند. آنگاه که ملیونها ایلیماتی و دهقان و کارگر طبقه به یکپارچه خیزند دیگر هیچ نیروی قادر به درهم شکنستن آنها نخواهند بود.

و تلخه همه انقلابیون ایران در شرایط کنونی احیای حزب طبقه کارگر است.

مستحکم همپسای میونسید دانشجویان تیسود. زحمتکشی.

سرگ. بزرگ همپسای رسید. شاه و حسابان فارتگسراو.

سازمان سارکمیته‌ی - لنینیستی نسرو فان

## خروش دانشگاههای ایران

۱۶ آذر روز مقدس دانشکده و دانشگاهیان است، روزی است که دانشجویان و استادان دلیر و میهنپرست بیادشدهای آذر ۱۳۳۲ همه ساله پیمان میبندند که در مبارزه با رژیم شاه استوار و پایدار باشند، تا رژیم شاه را از پای درنیاورند، از پای نایستند. سازمان امنیت هر سال برای جلوگیری از تظاهرات دانشگاههای ایران با انواع حیل و نیرنگ توسل میجوید. اما دانشگاهها همه ساله روز ۱۶ آذر مانند دریای توفانی میخروشند و کشتی شکسته رژیم شاه را هر روز بیشتر در مفاک فرو میبرند.

در ماه آذر امسال آتش خشم دانشگاهها سراسر ایران را در خود فرو برد، موج اعتصابات بیشتر دانشگاهها و دانشکدههای کشور را دربر گرفت، در بیشتر دانشگاهها و دانشکدههای کشور اعتصابات پرشوری برپا گردید و در برخی از دانشکدهها موج اعتصاب حتی از ماه مهر و آبان خروشیدن گرفت. در همه حال دانشجویان مبارز و رزمنده صدای اعتراض خود را بار دیگر علیه رژیم شاه، علیه خیانتها و بیداد دریهای آن بلند کردند.

سیاست خائنانه شاه، سیاستی که تمام هستی مردم را بغارت امپریالیسم میدهد و توده های مردم را به خاک سیاه نشانیده است، سیاستی که برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم هر صدای اعتراضی را در سینه خفه میکند آنچنان بحرانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پدید آورده که تاریخ و جامعه ما را در هم ریخته است. عمره این بحران برای مردم ماجز فقر و سیه روزی روز افزون، محرومیت از آزادی و کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی نیست.

کار "انقلابات" شاهانه آنقدر بافتضاح کشیده که همه کم آنها را بسخره میگیرد. اکنون در کنار رژیم ترور و اختناق و مسلط ساختن اراذل و اوباش سازمان امنیت بر جان و مال و ناموس مردم، برای شاه جز کنده کوئی و وعده دادن با قی نمانده است، وعده های تو خالی و پوچ که دیگر کسی را فریب نمیدهد. رژیم شاه با حکومت فاشیستی و هستی بر انداز خود مردم میهن ما را بستوه آورده است. این وضع ناهنجار دیری است که توده های مردم میهن ما را به مقابله واداشته است. آتش مبارزه کارگران، دهقانان، روشنفکران و روحانیون مترقی در همه نقاط کشور زبانه میکشد. این مبارزات منفرد و پراکنده نشانه مقاومت سر سخت قاطبه خلق ایران در برابر خیانتها، جنایات، فساد و تباهی های رژیم شاه و خاندان منفور و کثیف پهلوی است.

خروش دانشگاههای ایران یکی از مظاهر این مبارزه است. دانشکده های فنی، علم و صنعت، علوم کمپیوتری با زردانی، پلی تکنیک، آریامهر، کشاورزی و منابع طبیعی با اعتصابات و تظاهرات و پخش اعلامیه ها نشان دادند که کانون مشتعل مبارزه دانشگاه هرگز خاموش نخواهد شد. روز ۱۴ آذر در حالیکه دانشگاه در محاصره پلیس بود میتینگی از طرف عده کثیری از دانشگاهیان در محوطه دانشگاه تهران ترتیب داده شد، سخنرانان وعده های تو خالی شاه را در همه زمینه ها بویژه در مورد تامین مسکن بباد انتقاد گرفتند و استخدا دهها هزار مستشار امریکائی را با حقوقهای کلان ۱۲ هزار دلاری در ما ه شدیدا محکوم کردند. در تظاهرات تیکه در اواخر آذر ماه در چهار راه حسن آباد و میدان بهارستان بمناسبت درگذشت دانشجویان مبارزیکه در سقوط از کوه جان خود را از دست داده بودند صورت گرفت طی برخورد با پلیس تعدادی کشته و زخمی برجای ماند.

مبارزه مداوم و بلا انقطاع خلق ایران معلول وضع نابسامانی است که رژیم شاه آفریده است. این مبارز بدون شك در تضعیف رژیم شاه نقش ارزنده ای بازی میکند. این مبارزات اکنون جدا و پراکنده است ولی نخواهد پدید که این جویبارهای پراکنده مبارزه در بستر واحدی خواهند افتاد و از آن سیل خروشان بر خواهد خواست که شاه و دودمان کثیف و فاسد پهلوی و حامیان بیگانه اش را از سر راه خلق ایران خواهد رویید.